

کیفرشناسی جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران

مهرداد احمدزاده ذوالپیرانی^۱، یاسمن خواجه نوری^۲، علی نجفی توانا^۳

چکیده

اصول و معیارهایی بر رفتار مجرمانه مترتب است که واقعیت حقوقی آن را از منظر شکلی و ماهوی مشخص کرده و به تبع آن، در تعیین کیفر و نگاه کیفرشناختی بر آن تأثیر می‌گذارد. جرائم اقتصادی نیز در پرتو همین دیدگاه، متجلی از ضوابطی است که رفتار منتسب به آن را جرم‌انگاری کرده و در عرصه جرم به آن مصداق خارجی می‌بخشد. پژوهش حاضر با تمرکز بر تحلیل کیفرشناسی جرائم اقتصادی، درصدد است انواع مجازات در این حوزه را بررسی کند و در پرتو هدف مذکور، با روشی توصیفی و تحلیلی به این پرسش اصلی پاسخ دهد که در بازخورد با جرائم اقتصادی، کدام‌یک از دو رویکرد پیامدگرایی به عنوان نتیجه مطلوب و یا جنبه ناپیامدگرا و سزامحور به صورت مطلق در مجازات باید مورد نظر قانون‌گذار باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد با اتخاذ رویکردی موسع و تنوعی به مجازات، نسبت به جرائم اقتصادی آن‌چه غلبه دارد، تفوق سزاگرایی است. این باور آن‌جا توسعه می‌یابد که قانون‌گذار افزون بر جرائم مالی و شلاق، از حبس‌های موقت و طولانی‌مدت در گفتمان کیفری جرم اقتصادی بهره‌جسته و مجازات اعدام با مبنای دینی و در قالب مجازات حد و در شاکله تعزیر، پیش‌بینی شده است. نتیجه این اندیشه غالب در خصوص جرائم اقتصادی، اتخاذ رویکرد ناپیامدگرا جهت دستیابی به عدالت برای جامعه است.

واژگان کلیدی: کیفرشناسی، اعدام، جرم اقتصادی، سازمان‌یافتگی، رویکرد سزاگرا،

رویکرد پیامدگرا

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Ahmadzadeh.m25@gmail.com

۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

yas-Kh2009@yahoo.com

۳. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Najafi.Tavani@gmail.com

درآمد

همواره رویکردهای تکمیلی و متمیمی مجازات در مواجهه با عناصری هم‌چون زمان و مکان، نوع جرم، میزان خشونت، میزان تأثیر در قلمرو هنجاری جامعه و به‌طور کلی اوضاع و احوال حاکم بر پدیده مجرمانه؛ رفتارهای مبتنی بر هنجارگریزی را از منظر تبارشناسی کیفر دربرمی‌گیرد. این فرایند در خصوص جرائم اقتصادی با فساد اداری، فقر جامعه، ناکارآمدی برخی دستگاه‌های دولتی و اشخاص مدیر و ... به‌هم تنیده شده است که نوع مجازات و مبنای جرم‌انگاری و کیفرگذاری را پیچیده و گسترده می‌کند. پیچیدگی موضوع زمانی مشخص می‌شود که در مصادیق متعدد جرائم اقتصادی با مجرمان مختلف برخورد از هوش و استعداد ناهمگون مواجه هستیم. همین امر موجب می‌گردد، بررسی کیفرشناختی جرائم اقتصادی بسیار مشکل و متفاوت از دیگر جرائم باشد. افزون بر این جریان پیچیده فوق که بیان شد، تفکیک جرم اقتصادی به دو دسته کلی جرم اقتصادی مبتنی بر نقض مبنای دینی و مبنای اجتماعی که در نظام حقوقی ایران قابل رویت است نیز برگسترده‌گی و متعاقباً پیچیدگی موضوع می‌افزاید.

به‌عبارت دیگر، اگر بخواهیم جرم اقتصادی را در نظام حقوقی ایران از منظر کیفرشناسی تحلیل و تفسیر کنیم می‌بایست در آغاز امر، فقه و رویکردهای فقهی را به‌عنوان یک محک و ضابطه در بخشی از رفتارهای مجرمانه اقتصادی دخیل بدانیم، چرا که رفتارهای مبین جرم اقتصادی از منظر فقهی معرف مصادیقی چون افساد فی‌الارض است که کیفرشناسی موضوع را در حوزه‌های دیگری چون حدود باید واکاوی کرد. افزون بر این با توجه به فقدان مفهوم روشن و پذیرفته شده از جرائم اقتصادی و مالی، تعیین مصادیق گسترده این پدیده نیز دشوار می‌باشد. هم‌چنین اذعان به این موضوع که آیا در حال حاضر این نوع رفتار مجرمانه نسبت به سال‌های گذشته شیوع بیش‌تری داشته یا خیر، بررسی همه‌جانبه می‌طلبد که ظرفیت جغرافیای ماهوی موضوع قادر به بررسی آن نیست. از سوی دیگر، غور در جزء به جزء جرائم اقتصادی نه تنها مجال گسترده می‌طلبد که در این وجیز تنها قادریم بخشی از رویکرد حقوقی نسبت به جرائم اقتصادی را تحلیل نماییم. به‌عنوان مثال، دادرسی افتراقی جرائم اقتصادی که از منظر شفافیت، پیش‌گیری از اطاله دادرسی و دیگر مولفه‌ها ضرورت

این امر را توجیه‌پذیر می‌سازد، در این مجال نمی‌گنجد؛ چرا که در همین مورد نیز مراجع مختلف در زمینه‌های متفاوت صالح به رسیدگی هستند. در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، صلاحیت مراجع رسیدگی کننده مبتنی بر ماده ۴۴ این قانون تعیین می‌شود و دادگاه انقلاب و سازمان تعزیرات حکومتی صلاحیت رسیدگی به جرائم و تخلفات موضوع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز را بر عهده دارند که صلاحیت این دو مرجع نسبت به یکدیگر ذاتی و به موجب این ماده احصاء شده است. افزون بر این، در مرحله کشف جرم نیز، به موجب ماده دیگری از این قانون یعنی ماده ۳۶ در صلاحیت برخی دستگاه‌ها شناسایی شده و اصولاً به جهت ایجاد تکالیفی در فرایند کشف می‌توان صلاحیت‌هایی برای آن تعریف نمود (خلیلی پاجی و احمدی، ۱۴۰۲: ۱۲۱)؛ بنابراین بررسی همه جانبه جرم اقتصادی در نظام حقوقی ایران بسیار دشوار و بستر مباحثی طولانی خواهد بود.

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل مصادیق جرم اقتصادی از منظر کیفرشناسختی، سعی دارد این پرسش اصلی را پاسخ دهد که در میان دو کشف به‌داوری مبتنی بر پیامدگرایی با مطلوبیت ذاتی مجازات در شکل سزاگرایی هم‌گام با ناپیامدگرایی، کدام یک بهتر می‌تواند ماهیت جرم اقتصادی را در راستای مصالح عامه تفسیر نماید. برآیند پرسش مزبور این مهم است که در جرم اقتصادی به‌مثابه هر رفتار مجرمانه‌ای نتیجه مطلوب مورد نظر است و یا این که این پدیده تصویری ناهمگون و ناهنجار در سطوح مختلف جامعه را درک کرده و باید تنها علاج آن را از ره‌گذار مجازات صرف قلمداد کنیم. علت این نگرش، این واقعیت است که اساساً جرم اقتصادی دارای بزه‌دیده عام بوده و به نوعی جامعه (به‌عنوان تعرض به حریم بیت‌المال و یا اموالشان به صورت گسترده) و حاکمیت (به عنوان اقلیت حاکم که اعتماد جامعه را از دست داده و یا حداقل این اعتماد کم‌رنگ شده است) آماج نخستین آثار منفی این رفتار مجرمانه قرار گرفته‌اند؛ بنابراین بایست بررسی شود که مجازات‌های مختلف (صرف نظر از نوع رفتار مجرمانه اقتصادی) می‌تواند به صرف کیفر، برای این دو طیف بزه‌دیده (جامعه و حاکمیت) اعاده وضع به‌حال سابق نماید؛ یعنی جامعه آن‌چه را از دست داده به دست آورده و حاکمیت نیز آن‌چه از اعتماد از دست داده باز یابد.

با این رویکرد این پژوهش در دو سطح کلی، چهار بخش را مورد توجه قرار داده است. سطح نخست جایگاه پیامدگرایی و ناپیامدگرایی در رفتارهای مجرمانه اقتصادی و سطح دیگر بازخورد انواع مختلف مجازات؛ اعم از حبس، جزای نقدی، سلب حیات و حتی تشهیر در این نوع جرم می‌باشد. این دو سطح نیز در چهار بخش از جمله دیدگاه تئوریک پیامدگرایی در جرم اقتصادی که به بررسی هستی‌شناسی پیامد در کیفر جرم اقتصادی می‌پردازد و با الگوهای مختلف مجازات تحلیل می‌گردد. بخش دیگر بر فراقنی و نقش آن در مجازات و محکوم (نه الزاماً مجرم اصلی) جرم اقتصادی و توالی فاسد آن تمرکز دارد. در گام‌های دیگر نیز به تحلیل کیفرشناسی مصادیقی از جرم اقتصادی پرداخته شده است.

۱. رویکرد پیامدگرا به مجازات‌های ناظر به جرم‌های اقتصادی

۱-۱. جایگاه تئوریک پیامدگرایی در جرم اقتصادی

«پیامد گرایی»^۱ گفتمانی است که اشاره به نظریه‌ای هنجاری داشته و در نهایت اخلاقی بودن یک عمل یا یک قاعده (یا هر چیز دیگری) را تنها از طریق پیامدهای آن قضاوت می‌کند. لذا مبتنی بر نظریه‌ای از خیر است که رفاه هر فرد را در نظر می‌گیرد. پس روایت پیامدگرا، مجازات را توجیه می‌کند، نه به این دلیل که مجرم مستحق آن است، بلکه به دلیل پیامدهای خوب ناشی از مجازات. در مقابل سزاگرایی، مجازات را نه با توسل به پیامدهای خوب ترویج شده، بلکه صرفاً به این دلیل که مجرم مستحق آن است، توجیه می‌کند (Russell, 2005: 281)؛ بنابراین آنچه در پیامدگرایی مجازات مورد نظر است، سود محوری مجازات است که برآیند این رویکرد موضوع فایده‌گرایی و اقتصاد رفاه است که معروف‌ترین نظریه‌های پیامدگرا محسوب می‌گردد (Zamir & Medina, 2008: 329). با این حال پیامدگرایی در کیفر جرم اقتصادی چشم‌اندازی به آینده دارد؛ نگاهی که در آن سعی می‌شود علاوه بر یک کیفر مطلوب، آثار شرورانه جرم اقتصادی را در فردا کاهش دهد. البته این رویکرد به نسبت جرائم متعدد و بی‌شمار اقتصادی که امروزه به فراخور پیچیدگی‌های بوروکراتیک در نظام حاکمیتی و نیز پیشرفت‌های سریع و گسترده در حوزه علم و فناوری با زعامت فضای مجازی و سایبری ایجاد شده، پاسخ‌های یک‌دست و هم‌نوا

1. consequentialism

نداشته و اغلب دارای واکنش‌های کیفری منحصر به فردی هستند.

۲-۱. الگوواره پیامدگرا در مدل‌های کیفردهی جرایم اقتصادی

همان‌طور که در مقدمه نیز بیان شد، اراده قانون‌گذار مترصد دو رویکرد تقنینی به جرایم اقتصادی است؛ رویکرد ایدئولوژیک مبتنی بر دین و دیگر رویکرد مقررات حاکم در جهت مقتضیات جامعه و زمان می‌باشد. بنابراین جهت تبیین کیفرگزینی این دو رویکرد بایست الگوهای کیفردهی و تأثیرات آن بر فرایند کیفرگزینی مذکور را تحلیل نماییم.

نخستین و شناخته‌شده‌ترین نوع الگوی کیفردهی، کیفردهی معین^۱ است. در این الگو، مجرم به میزان معین و الزام‌آوری از کیفر محکوم می‌شود. در این الگو، برخلاف الگوی نامعین، مجرم به طیفی از مجازات محکوم نشده و صلاح‌دید قضایی در آن جایگاهی ندارد. پس این الگو اغلب، با توجه به شدید و ثابت بودن مجازات، برای جرایم خاص یا مجرمان مکرر به‌کار گرفته می‌شود (مهرا و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۱۱). این مدل از کیفر را می‌توان در پرتو اوصافی چون اطلاق در مجازات، غیر قابل انعطاف با صلاح‌دید قضایی و ...، با رویکرد ناپیامدگرا توصیف نمود که در عنوان مجرمانه افساد فی‌الارض قابل تعمیم است. به هر حال نوع الگوی کیفردهی معین در جرم اقتصادی ره‌یافتی است که جهت اتخاذ کیفر براساس شدت آثار رفتار مجرمانه طرح‌ریزی شده است.

کیفردهی نامعین^۲ که با عنوان «کیفردهی مشورتی یا اختیاری»^۳ نیز شناخته می‌شود؛ از نظر اختیارات قاضی از اختیار و صلاح‌دید بیش‌تری در تعیین کیفر برخوردار است. در این الگو حداقل و حداکثر دوره توسط قانون مشخص شده و قاضی اجازه دارد بر اساس اوضاع و احوال هر پرونده، میزان کیفر را تعیین نماید، اما قاضی در مقام تعیین کیفر به‌جای تعیین مدت مشخص، در حکم خود حداقل و حداکثر مجازات قابل اجرا را (یک تا دو سال حبس) تعیین می‌نماید (هالوی، ۱۳۹۳: ۶۶). پس باور بر این است که اختیار قضایی و مورد نظر قرار دادن شرایط حاکم بر رفتار مجرمانه و ارتکاب جرم و تعدیل مجازات و یا حبس محوری در مقابل حذف

-
1. Determinate sentencing
 2. indeterminate sentencing
 3. voluntary or advisory sentencing

مجرم از اجتماع می‌تواند کارایی و تأثیری فزاینده در اصلاح و بازاجتماعی شدن مجرمان داشته باشد؛ بنابراین با نگاهی آینده‌محور به مجازات سعی می‌کند الگویی پیامدگرا را ناظر بر کیفر اتخاذ کند. با این حال پرسش اصلی در این مجال این است که این الگو تا چه میزان می‌تواند در مورد مجرم اقتصادی با خصیصه شخصیتی که خود انگیزه‌ای برای ارتکاب این نوع جرم می‌باشد مناسب و مطلوب باشد.

در راستای این شیوه از کیفردهی، می‌توان انقضای مواعیدی که به عنوان مثال در ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جهت استفاده از آزادی مشروط آمده است را خوانشی از سبک و سیاق رویکرد نامعین با اختیارات مقام قضایی دانست. آن‌چه می‌تواند در بازخورد با مجرمان اقتصادی که عنوان مجرمانه آن‌ها در قالب مجازات تعزیری تعریف شده را در برگیرد.

الگوی کیفردهی فرضی^۱ یا «الگوی کیفردهی رهنمودمحور»^۲ در رابطه با تمام جرائم یا طبقه خاص از جرائم اعمال می‌شود. در این الگو به خلاف الگوی معین و نامعین، به صلاح‌دید قضایی، جایگاه معقول و متعارفی داده شده است؛ بنابراین شیوه‌ای پیامدگرا بر مجازات داشته و با الگویی ترکیبی تلاش می‌کند با ادغام کیفردهی نامعین و کیفردهی الزامی، مجازات را تعدیل کند. در این نوع از کیفردهی، قانون‌گذار میزان هنجارمندی و قاعده‌مندی از کیفر را برای هر جرم تعیین می‌نماید و به قضات اجازه می‌دهد تنها در صورت وجود کیفیات یا اوضاع و احوال خاصی، از آن قاعده منحرف شوند (مهرا و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۱۴). این الگو در رابطه با تمام پرونده‌ها اعمال می‌شود، اما زمانی که عوامل مخففه یا مشدده مجازات وجود داشته باشند قضات می‌توانند با رعایت حدود مشخصی میزان مجازات را تشدید نموده یا تخفیف دهند؛ بنابراین سیستم قضایی می‌تواند بر اساس این الگو برای مجرم اقتصادی در صورتی که پیامد رفتار خود را پذیرفته و حداقل، اعاده وضع به حال سابق نماید، مجازات مناسبی را اعمال نماید. البته محدودیت و اکنش‌های پیامدگرا در جرائم اقتصادی نسبت به دیگر جرائم به مراتب بیش‌تر است؛ تا آن‌جا که نهادهای ارفاقی کیفری مثل تعویق صدور حکم، تعلیق و مصادیقی از این دست شامل این جرائم نمی‌شود و در صورت

1. presumptive sentencing

2. guideline based sentencing

شامل با شروط و محدودیت‌های قانونی و قضایی همراه است. البته در سیستم کیفرگزینی همواره این سیکل منطقی رعایت نمی‌شود، بلکه در برخی برهه‌ها به فراخور تأثیرات اجتماع و لفاظی‌های سیاسیون، فضایی آرمانی انقلابی بر چهره اراده قانون‌گذار سایه می‌افکند که همین امر موجب می‌شود حتی در صورت اتخاذ رویکرد کیفرگزینی و کیفرگذاری معین و نامعین، عمل‌کردهایی دیگر نیز جایگزین گردد. به‌عنوان مثال، بررسی تحولات تقنینی نظام مالیاتی نشان می‌دهد، اگر چه در جهت‌گیری عمده مقررات مالیاتی قبل از انقلاب، رویکرد اتخاذی مبتنی بر مذاکره و مصالحه در راستای مطلوبیت نتیجه حاکمیت داشت، لیکن به طور خاص از زمان اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم در سال ۱۳۹۲، آن‌چه تفوق پیدا کرد، مداخلات کیفری از طریق جرم‌انگاری و کیفرگزینی بر مدار آرمان‌گرایی و توجیهات توسعه‌محور بوده‌است. با این حال ناکارآمدی این ره‌آورد ایدئولوژیک منتج به این نتیجه شد که در چارچوب شیوه‌نامه داخلی نحوه اجرای مواد ۲۷۴ تا ۲۷۷ قانون مزبور این رویکرد (نایامدگرایی سزاگرا) به‌محاق رفته و کمافی‌السابق سازمان مالیاتی به‌عنوان نماینده دولت، خود را شایسته چگونگی جبران ناشی از بزه‌دیدگی تخلف مالیاتی بداند (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۳۴). برآیند این امر تغییر رویکرد ترجیح‌گفتگو با مؤدی مالیاتی جهت اعاده وضع و پرداخت مالیات‌های معوقه شد و رویکرد تهاجمی و واکنشی سزاگرا در این حوزه در گام‌های بعدی قرار گرفته است.

۲. رویکرد نایامدگرا به مجازات‌های ناظر به جرم‌های اقتصادی

۲-۱. ابزارگرایی کیفر توجیه در سرپوش ناکارآمدی با عاملیت رسانه در

جرایم اقتصادی

جرم اقتصادی با پیوند مجازات با رویکرد نایامدگرایی^۱ به‌ویژه در سیاست کیفری ایران هم‌سنخ‌تر است. به‌طور کلی در پدیده مجرمانه واکنش اجتماعی، خوانشی از مجازات دارد که در گامی به دلیل ارزش ذاتی آن یا برخی ویژگی‌های ذاتی چون ارباب، ترزیل و ... توجیه می‌گردد و در گامی دیگر با چشم‌اندازی آینده‌مدار سعی می‌کند مجرم و جامعه را در مداری اصلاحی قرار دهد. هر چند در هر دو گام واکنش هیأت حاکمه ابزاری برای سرکوب، ناتوان‌سازی، اصلاح و بازاجتماعی کردن مجرم

1. Punishment: Nonconsequentialism

قلمداد می‌شود، اما واکنش حاکمیت با چشم‌انداز ناپیامدگرا موجب سوءاستفاده از مجازات شده و به‌تعبیر دیگر آن‌چه نمود می‌یابد ابزارگرایی کیفر است که برون‌داد آن خشونت عربان در مقابل پدیده مجرمانه خواهد بود.

با توجه به آن‌چه بیان شد، در جرم اقتصادی ابزارگرایی کیفری با عواملی چون رسانه همگن شده که در نهایت برون‌داد این زوجیت عوام‌گرایی است که تنها می‌توان در پرتو جرم‌شناسی فرهنگی تحلیل کرد، اما آن‌چه در این مجال باید مدنظر قرارگیرد، نه بررسی جرم‌شناختی فرهنگی جرم اقتصادی است که ناپیامدگرایی مجازات این جرم است که ابزار رسانه با به‌هم‌تنیدگی عوام‌گرایی کیفری موجب تشدید و تفوق‌باوری شده که مجرم‌محور بودن جرم اقتصادی را القاء می‌کند.

تفوق نگاه عوام‌گرا با ابزار رسانه بر پیکره جرم‌انگاری و کیفرگذاری جرم اقتصادی علاوه بر تصمیمات تکانه‌ای و احساسی قانون‌گذار موجب در مغفول ماندن برخی از مصادیق جرم اقتصادی می‌شود که نزد عوام گنگ و تعریف شده نیست؛ چرا که از منظر محتوایی، جرم از سوی رسانه‌ها به عنوان یک کالا و در جهت عرضه به مشتریان رسانه‌ای؛ (مخاطبان) ارائه می‌گردد. در واقع، رسانه‌ها بر چگونگی ارائه داستان جرم توجهی ویژه دارند و در این راستا در مواقعی با تحریف نسبت به تصاویر پیشین جرم، به ساخت و پردازش تصاویر مدنظر خود از آن اقدام می‌کنند.

آن‌چه به صورت تئوریک در فوق بیان شد اگر بخواهیم در عرصه حقوق اقتصادی و رفتارهای ناهنجار آن خوانش کنیم، شرحی از مراحل سیاست کیفری تقنینی است که ریشه در رفتارهای سیاسی حاکمیت دارد. جهت تشریح بحث می‌توان به مصداقی تاریخی (زمانی پس از جنگ تحمیلی) اشاره کرد. در آن برهه نیز جهت چاره‌جویی دولت‌مردان با شتاب‌زدگی و تعجیل در تقنین در فرایند جرم‌انگاری و کیفرگذاری، واژگانی مبهم و کلی به دایره‌المعارف جرم اقتصادی وارد کردند که خود موجب سردرگمی دستگاه قضا می‌شد. از جمله واژگانی چون «عمده و کلان» به عنوان اوصاف جرم اقتصادی که مصداقی برای آن تعریف نشده بود. واژگانی که شارح آن‌ها تنها رسانه‌هایی بودند که با تیترهای برجسته شده، آن‌ها را به‌نرخ آرام کردن جامعه به مخاطب می‌فروختند.

در نقطه مقابل چنین رویکردی، عدم توجه افکار عمومی به جرم پول‌شویی

است؛ چرا که این رفتار ناهنجار اقتصادی در مردم حساسیتی ایجاد نکرد پس مورد اقبال رسانه قرار نگرفت؛ بنابراین برخلاف سایر جرائم فسادآمیز و جبهه‌ای با طبیعت ثانویه القاء کرد. برآیند عوام‌گرایی حاکم بر سیاست کیفری این است که به‌رغم تلاش دولت ایران جهت الحاق به کنوانسیون جرائم سازمان یافته فراملی مصوب ۲۰۰۰ میلادی، هنوز گشایشی صورت نگرفته است. آخرین اراده قانون‌گذار در راستای الحاق به این کنوانسیون، مصوبه مجلس شورای اسلامی (عدم اعمال نظر شورای نگهبان و ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت نظام) در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۱۹ بود؛ این در حالی است که در تاریخ ۱۸ مهرماه ۱۳۹۸ پس از پایان مهلت یک‌ساله مجمع برای رسیدگی به کنوانسیون پالرمو، متعاقباً نظر شورای نگهبان مبنی بر رد لایحه مذکور به دلیل تعارض با بند ۲ اصل یکصد و نهم قانون اساسی قطعی شده و مجمع به‌علت عدم رسیدگی در فرصت یک‌ساله، دیگر صلاحیت قانونی برای رسیدگی و اظهار نظر مصلحتی در باب این لایحه را ندارد. از این رو می‌توان گفت پیوستن به کنوانسیون مذکور در نظام قانون‌گذاری ایران رد شده است (خیرانی و دیگران، ۱۴۰۱: ۶۲). این رویکرد مبین این واقعیت است که جرم‌انگاری مستقل پول‌شویی نه تنها یک ضرورت تلقی نشود، بلکه تصور ملاحظات سیاسی و بین‌المللی در تصویب قانون مذکور تقویت گردد. چنین نگرشی موجب شده بود تا حتی هشدار برخی نمایندگان مبنی بر بدبینی افکار عمومی به مجلس شورای اسلامی در صورت عدم تصویب قانون مبارزه با پول‌شویی مؤثر واقع نشود (مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۸۲: ۲۷)؛ بنابراین موضوع مطروحه جنبه منفی دیگری از عوام‌گرایی کیفری است که بر ساختار حقوق کیفری اقتصادی کشور حاکم می‌باشد.

۲-۲. رویکرد ناپیامدگرا در جرم اقتصادی جلوه‌ای از فرافکنی مقصر محور

فرافکنی حکومت در پذیرش علل ناکامی سیاست‌ها و مقصر جلوه دادن متهمان مهم‌ترین ویژگی نظریه قوچ قربانی است (آقاجانی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۸۵)؛ بنابراین نظریه قوچ قربانی در جرائم اقتصادی کاربرد گسترده داشته و هر آن فساد و ناکارآمدی مدیریت بخش اقتصادی تحت حمله‌های مقصرمدار که با زعامت رسانه ایجاد می‌شود، در اذهان عامه کاشته می‌شود. این رویکرد، رویکردی ناپیامدگرا است که هیچ شخص (اعم از حقیقی و یا حقوقی) سعی در پذیرش مسئولیت نداشته و

ممکن است به یک فساد سیستماتیک اذعان داشته باشند و یا ممکن است حتی آن را کتمان کنند، اما کیفر و مجازات همواره تکانه‌ای، خلاصی از پاسخ‌گویی به وسیله مقامات مسئول و محو یا طرد کامل نوک کوه یخ (مجرم در چشم) خواهد بود. به عبارت دیگر، سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری به منظور جلب اعتماد عمومی، کسب مشروعیت و حمایت عامه مردم، بدون توجه به یافته‌های علمی، دیدگاه‌های نخبگان و معیار اثربخشی و کارآمدی، سیاست و برنامه‌هایی را تدوین و اجرا می‌کنند که در راستای انتظارات زودگذر و مقطعی مردم باشد.

علاوه بر این مولفه‌ها می‌توان لمپنیسم رسانه‌ای را نیز که با نوعی هیجان‌گرایی، مسیر فعل مجرمانه را بازتعریف می‌کند اضافه کرد. تعریفی که تصویر دل‌خواه خود را به مخاطب القاء کرده و این مهم را تقویت می‌کند که حاکمیت بایست در بازخورد با این نوع عمل مجرمانه با تحکم برخورد کند. در بازه قانون‌گذاری مسائل دیگری نیز قابل بررسی است که می‌توان اذعان کرد رسانه، عوام‌گرایی و کیفی‌های شدیدی چون اعدام را بازنشر می‌کند. این موضوع همان خوانش حاکمیت از مجرم است که خود می‌تواند در فرایندی سیاست‌زده القاء گردد. در این راستا حکومت یا به تعبیر دیگر، همان دست‌اندرکاران ایدئولوژی مسلط، با طرح مباحث ایدئولوژیک در مورد جرم مثل جرم علیه امنیت اقتصادی، امنیت ملی و ... یک قالب ذهنی از مجرم منتشر می‌کنند و این قالب ذهنی و کابوس واقعی که تمام بدی‌ها را در خود پوشش می‌دهد مانند نقابی بر چهره فرد می‌نشیند و پس از آن، این فرد مثال قوچ قربانی را می‌یابد که جامعه علت تمام ناکامی‌ها، ناهنجاری‌ها و بدی‌های موجود در خود را به او نسبت می‌دهد (بست، ۱۳۷۷: ۵۷). اما آنچه نادیده گرفته شده و به محاق می‌رود، زیر پوسته این واقعیت است که اشخاصی به عنوان مجرم نقش قوچ قربانی را پیدا کرده تا ضامن تداوم حیات دولت و صیانت از مشروعیت و کارآمدی صورتی آن‌ها شوند.

۳. واکاوی مجازات جرم اقتصادی در قانون: رویکردی پیامدگرا یا ناپیامدگرا ۳-۱. تعزیر در جرایم اقتصادی مجازاتی ناظر بر دو رویکرد پیامدگرا و

ناپیامدگرا

در کتاب‌های فقهی بر این اصل که تعزیر کمتر از حد باشد، تأکید شده است، اما پرسش اصلی این است که این ملاک، معیاری است که همواره ثابت و مطلق در نظر گرفته می‌شود یا اطلاق آن تا میزانی می‌باشد که مفسده‌ای بزرگ در جامعه ایجاد گردد؛ مفسده‌ای از جنس اقتصاد که ارتباط مستقیم با زندگی حداقلی مردم دارد. موثر بودن و رویکرد پیامدگرایی یا ناپیامدگرایی در جرم اقتصادی بازخوردی از این واقعیت است که دفع مفسده در مواجهه با توجیه کیفر اقتصادی شدید در قالب تعزیر، خوانشی از این موضوع دارد که نظام اقتصادی مبتنی بر آموزه‌های الهی، نظام‌سازی اقتصادی خود را بر پایه مخاطره حیات معنوی و مادی قرار نمی‌دهد. اگر این چالش ایجاد گردد در هر برهه‌ای واکنش مناسب با حکومت و حاکم شرع که شخصی عادل است، انجام می‌شود. در خصوص توجیه کیفر تعزیر، اصل مصلحت است که برخاست مفهومی از نسبی بودن ماهیت حقوق را ارائه می‌دهد. به عبارت دیگر، حکومت اسلامی از نظر فقهای متأخر امامیه، می‌تواند قانونی که مطابق با مصلحت نظام باشد، وضع کرده و ناقضان آن را تعزیر کند (عینی نجف آبادی، ۱۳۷۳: ۲۳)؛ مصلحتی که تدبیر دولت اسلامی به هدف رعایت منافع معنوی و مادی جامعه اسلامی و در راستای اهداف شارع مقدس می‌اندیشد (هاشمی، ۱۳۸۱: ۳)؛ بنابراین بر اساس و مبنای مصلحت نیز می‌توان کیفر تعزیر را حتی شدیدتر از حد اعمال کرد. تعمیم کلیات قواعد و رویکردهای عام حاکمیت اسلامی بر قباحت و حرمت رفتارهایی که در نهایت یک جرم اقتصادی را نمود می‌بخشند، صحه می‌گذارد؛ چرا که برخی از این مصادیق چون جرم گمرکی در صد سال گذشته نیز مسبوق به سابقه نیست؛ بنابراین نمی‌توان به صورت ثابت و یک‌طرفه بر این امر اصرار داشت که تعزیر شدیدتر از حدود در جرم اقتصادی نمی‌تواند محمل شرعی و قانونی داشته باشد. پس الزامات هنجاری چون احترام به مالکیت خصوصی، رقابت، شفافیت، اعتماد پذیری، برابری اجتماعی مبتنی بر عدالت توزیعی، کارایی اقتصادی، ثبات اقتصادی، برابری فرصت‌ها، قانون‌گرایی و اصل حاکمیت قانون (حسنی و مهرا، ۱۳۹۴: ۵۱)،

همه مبناهایی هستند که امروزه در حقوق موضوعه در پرتو قواعد فقهی پذیرفته شده و بسط داده شده تا به واسطه آن بتوان شرایطی مساعد و مناسب را در سلامت اداری و اقتصادی کشور داشته باشیم.

این نگرش خود موجب مسأله‌ای مهم‌تر نیز خواهد بود و آن این‌که در نظام سیاست کیفری جمهوری اسلامی، برای این‌که مجازات جرم اقتصادی را خارج از رویکرد مجازات اسلامی به صورت مجازاتی شدید توجیه کنند با دستاویزهایی چون قصد مرتکب در مقابله با نظام یا بانندی بودن، چهره‌ای امنیتی به آن داده و موضوع جرم از امنیت اقتصادی به امنیت سیاسی یا امنیت ملی تغییر چهره می‌دهد (برزگری و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۵۲). همین امر موجب می‌شود اگر مقصد مجازات رویکردی پیامدگرا داشته باشد، به سمت ناپیامدگرایی سوق داده شود. هم‌چنین رویکرد دیگری در توجیه کیفر و معطل ماندن ماهیت تعزیری جرم اقتصادی در این بستر گسترده می‌گردد که مواردی را که به ظاهر از جرائم تعزیری هستند، اما فساد عظیم در جامعه ایجاد می‌نمایند، تحت عنوان افساد فی‌الارض قرار دهند و شدت مجازات آن را از این باب توجیه می‌نمایند؛ اگر چه بعضی از فقها قائل هستند که در این صورت چنین مجازاتی به‌عنوان حد، نه به‌عنوان تعزیر اعمال می‌شود (شمس ناتری، ۱۳۸۷: ۱۶۶). به هر حال در خصوص جرم اقتصادی و یا تعمیم عنوان مجرمانه افساد فی‌الارض باید احتیاط به خرج داد؛ چرا که مجازات آن به صورت ثابت بوده و قاضی جهت تخفیف انتخابی ندارد؛ هم‌چنین مجازاتی با رویکرد ناپیامدگرا است که تنها ارباب و خشونت‌های عریان را درگفت‌مان خود تبلیغ می‌کند؛ بنابراین حاکمیت در این حوزه مداخلت تفکرانی مجازات‌مدار است.

۲-۳. توجیه کیفرشناسی جرم اقتصادی در پرتو تنوع کیفر در تعزیرات از

شخص حقیقی تا حقوقی

تنوع کیفر به مفهوم گوناگونی و متنوع بودن ضمانت اجرای کیفری است که در بازخورد با جرائم اقتصادی قابل واکاوی است. گستردگی که به رویکرد و صبغه‌ای ناپیامدگرا در عرصه جرم اقتصادی تعریف و گنجانیده شده است. این گوناگونی گستره‌ای از انواع مختلف کیفرها از جمله حبس، جزای نقدی، شلاق، اعدام و ... را در بر می‌گیرد که به موجب ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و نیز ماده

۲۳ همان قانون، مجازات‌هایی را نیز می‌توان در خصوص اشخاص حقوقی بیان کرد که در ذیل بررسی می‌شود.

۱-۲-۳. شلاق

مجازات شلاق برای بزه‌کاران، به‌عنوان یکی از کیفرهای جسمانی تنبیهی، تریبی و ترذیلی، حضوری دیرین در جوامع انسانی دارد. هر چند امروزه مجازات شلاق از سیاهه قوانین کیفری بسیاری از کشورهای جهان محو گردیده، اما کیفر مزبور هم‌چنان طی مواد مختلفی در قانون جزای ایران در قالب مجازات‌های حدی و تعزیری پیش‌بینی شده است (نجفی توانا و میلکی، ۱۳۸۶: ۱۴۵). در مورد مصادیق جرم اقتصادی، این کیفر که پیش‌تر مجازاتی با رویکرد ناپایمندگرا است در قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام پیش‌بینی شده است (توسلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۴). قانون‌گذار در تدوین مواد یک و ۲ قانون مذکور، مجازات‌های مرتکب یا مرتکبان را بر اساس قصد آن‌ها تشریح کرده است. بر این اساس باید گفت چنان‌چه اقدامات صورت‌گرفته به حد افساد فی‌الارض نرسد ولی اخلاص‌گری در نظام اقتصادی به صورت عمده یا کلان و یا فراوان باشد، دادگاه می‌تواند علاوه بر جریمه مالی و حبس، مرتکب را به بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری در انظار عمومی محکوم نماید. پس در این‌جا قانون‌گذار بر اساس میزان شدت جرم کیفرهای مختلفی از جمله شلاق را در نظر گرفته است. این‌که کیفر تازیانہ برای جرم اقتصادی تا چه میزان می‌تواند موثر و مورد هدف در فلسفه اعمال مجازات باشد، خود دارای ابهام است؛ چرا که باید واقعیت امروز را پذیرفت که کیفر جرم اقتصادی باید از جنس خود جرم یعنی در حوزه مالی و اقتصادی باشد.

۲-۲-۳. کیفر سالب آزادی

آن‌چه کیفر حبس را در جرم اقتصادی بیشتر نمود می‌بخشد، تدریج مجازات به موجب ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد. درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری نسبیتی مشخص به موضوع حبس داده است که به موجب آن می‌توان تأثیری شگرف را در جرم اقتصادی و اکاوی نمود؛ این در حالی است که سیاست کیفری و تعیین کیفر به‌طور کلی در جرائم اقتصادی مبتنی بر تشدید و قطعیت

کیفر است. استفاده از حبس‌های طولانی‌مدت از جمله ابزارهای مقنن در این زمینه است. قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری نمونه گویایی می‌باشد. بر طبق ماده ۴ این قانون مجازات تشکیل دهنده و رهبری کننده شبکه ای جرم ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، حبس از پانزده سال تا ابد در نظر گرفته می‌شد که این مجازات به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ و تبصره الحاقی (تبصره ۶) به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌کرد: «تمام حبس‌های ابد غیرحدی مقرر در قانون به حبس درجه یک تبدیل می‌شود»، دارای حبس بیش از بیست و پنج سال خواهد بود. هم‌چنین به موجب ماده ۲ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور اگر شخصی مرتکب اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق قاچاق «عمده» ارز و اسکناس، ... و مانند آن گردد، در صورتی که محارب تلقی نشود، به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم خواهد شد. مورد دیگر در مورد کیفر حبس در شاکله جرم اقتصادی که قانون‌گذار نظامی تشدید را دنبال می‌کند، اخذ پورسانت در معاملات خارجی موضوع قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲ است که در این قانون مجازات تعزیری آن حبس از دو سال تا پنج سال در نظر گرفته شده است. هم‌چنین در جرم پول‌شویی نیز می‌توان حبس‌های موقت منطبق بر تدریج مجازات را به این شرح و در ماده ۹ قانون اصلاح مبارزه با پول‌شویی مصوب ۱۳۹۷ بیان کرد: «در صورتی که جمع عواید و درآمدهای حاصل از جرم به مبلغ یک میلیارد تومان باشد مجازات وی حبس تعزیری درجه پنج و در صورت ارقامی بیش‌تر از رقم مزبور، حبس تعزیری درجه چهار در مورد وی جاری خواهد بود». البته بحث کارآمدی مجازات حبس نیز در مورد جرائم اقتصادی محل تردید است؛ چرا که در حوزه جرم اقتصادی هرچه سنخ مجازات از جنس مالی و اقتصادی و در راستای برطرف کردن زیان‌های بزه‌دیده (عام و خاص) باشد، نتیجه‌ای مناسب‌تر خواهد داشت.

۳-۲-۳. اقدام

در خصوص جرائم اقتصادی کیفر اعدام را هم تحت عنوان مجرمانه حد و هم تعزیر، می‌توان هم‌چون سایه‌ای سنگین بر سر مرتکب تصور کرد. از جمله اقدام تعزیری جرم اقتصادی در قانون مجازات اخلال گران اقتصادی مصوب سال ۱۳۶۹

قابل اشاره است.

مورد دوم، تشکیل شبکه مجرمانه برای ارتکاب ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری و رهبری آن موضوع ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری است. البته این ماده پیش شرط اعدام را رهبری باند و یا اعضای می داند که مصداق مفسد فی الارض شناخته شوند که البته در این صورت نوع اعدام تعزیری نبوده بلکه مجازاتی حدی خواهد بود.

مورد سوم اعدام تعزیری در حوزه جرائم اقتصادی ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس و وارد کنندگان اسکناس مجعول مصوب ۱۳۶۸، جعل اسکناس رایج داخلی یا توزیع و مصرف آن با علم به جعلی بودن و وارد کردن عمدی آن می باشد. البته در صورتی این افراد به مجازات اعدام محکوم می گردند که علاوه بر این که رفتار مادی و معنوی جرم را به صورت تام انجام داده باشند، باید به صورت شبکه‌ای و برای مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران صورت گیرد؛ بنابراین اگر حتی به صورت بانندی صورت پذیرد، اما به انگیزه مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران نباشد، مجازات اعدام مشمول وی نخواهد بود. یا حتی اگر این رفتارها را با انگیزه مبارزه با نظام اما به صورت فردی و نه شبکه‌ای و بانندی انجام دهد دیگر مجازات اعدام بر وی اعمال نمی گردد.

این مجازات با طبیعتی ناپیامدگرا با هدفی ارعابی و در مسیر حذف مجرم و عامل خطر در جامعه می باشد. پرسشی که در خصوص کارآمدی مجازات شلاق و حبس وجود داشت در مورد اعدام به مراتب دامنه دارتر است. این که اعدام می تواند پیامدی اصلاحی در قامت بازدارندگی از این جرم داشته باشد بحثی مبتنی بر فلسفه مجازات با تمرکز بر نظریه سودانگاران است (حدادزاده نیری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۴). در واقع در نگرش اقتصادی به حقوق کیفری فرض بر این است که مرتکبان در یک فرایند انتخاب عقلانی جرم را برمی گزینند. پس به نظر می رسد با پذیرش فرض اولیه نظریه های اقتصادی جرم، در بازخورد با جرم اقتصادی ضرورت دارد ریسک جرم و پیامدهای آن بالا برده شود؛ بنابراین به جای اهتمام به مجازات اعدام، مسأله حتمیت کشف جرم و دستگیری مرتکبان بایست در اولویت قرار گیرد؛ چرا که در محاسبات متهمان دستگیری از جایگاه ویژه ای برخوردار است که در ترجیح قطعیت کیفر بر

شدت کیفر کمتر می‌توان تردید کرد (حدادزاده نیری و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۶).

۴-۲-۳. کیفر مالی

جزای نقدی ضمانت اجرایی است که با هدف بازدارندگی اعمال شده و به شخصیت مرتکبان این جرائم تناسب بیش‌تری داشته و به‌نوعی هم‌سنخ با جرم اقتصادی است؛ لذا در غالب این جرائم پیش‌بینی شده است. جزای نقدی بخشی از مجازات کلی‌تر تحت عنوان مجازات مالی است. پس کیفر مالی شامل جزای نقدی، مصادره عوائد حاصل از ارتکاب جرم و ضبط اموال مورد استفاده در ارتکاب جرم می‌باشد (توسلی زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۸).

در جرائم مختلف به‌ویژه در جرائم اقتصادی که با وصف گسترده‌گی و حوزه وسیع شناخته می‌شود؛ در مواردی که این ضمانت اجرا پیش‌بینی شده، عدم تناسب مشهود است. گاه «جزای نقدی معین» مانند ماده ۱ قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی (جزای نقدی از دو هزار ریال تا پانزده هزار ریال) است که طبیعتاً با گذشت زمانی حدود هشتاد سال از تصویب این قانون، عملاً این مجازات هدف خود را از دست داده است. جرم موضوع ذیل ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی تعزیرات که مجازات نقدی از سه تا سی میلیون ریال را دارد؛ پس گاه از «جزای نقدی نسبی» استفاده شده که مبلغ آن نسبتی با عواید ناشی از جرم است (مانند کلاه برداری، ارتشاء و اخذ پورسانت و پول‌شویی) و گاه این مبلغ دو برابر ارزش مال کسب شده است (مانند جرم اختلاس و بخش نخست ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی کتاب تعزیرات). گاه این نسبت به هفت تا ده برابر ارزش موضوع جرم نیز می‌رسد (مانند بندت ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در خصوص کالای ممنوعه یا وارد کردن مشروبات الکلی موضوع ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) که ملاک ده برابر را مقرر کرده است).

در کنار مشکلات ماهوی پاسخ‌های مبتنی بر جزای نقدی در خصوص جرائم اقتصادی، می‌توان به اطلاع تقنین مربوط به قوانینی که به طور غیرمستقیم می‌توانند موجب شفافیت و پیش‌گیری از جرائم اقتصادی شوند، اشاره کرد (حطمی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۰۱). با این مراتب رویکرد منسجمی در زمینه جزای نقدی در جرائم اقتصادی مشاهده نمی‌شود؛ چرا که برخی از قوانین قبل از حاکمیت قانون مجازات اسلامی

و مدرج نمودن کیفر بوده و عملاً تطبیق آن با ماده ۱۹ کاری مشکل و در مواردی نشدنی است؛ بنابراین در پرتو آن چه بیان شد می‌توان این مجازات تعزیری را نوعی مجازات پیامدگرا دانست که نظر به آینده داشته و بخشی از رفتار مجرمانه را ممکن است جبران کند که بهتر است قوانین آن‌ها را بر اساس تورم پولی نسبت بخشند.

علاوه بر جزای نقدی و در مواجهه با جرم اقتصادی دو عملکرد وجود دارد. نخست مصادره اموال که در جرائم اقتصادی و مالی وقتی رد مال صورت پذیرفت در مواردی از قبیل درآمدهای ناشی از اختلاس، کلاهبرداری، تصاحب مال دیگران با سوء استفاده از شغل و عنوان دولتی، پورسانت‌ها و ربا و ارتشاء و امثال آن انجام می‌شود. در موارد دیگری، شخص با ارتکاب جرائمی از قبیل قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه، جعل اسناد و امثال آن، درآمدهای نامشروع خاصی را کسب می‌کند که سبب نامشروع بودن این درآمدها، قانون‌گذار از مجرم خلع مالکیت می‌کند که صورت دوم سلب مالکیت به نفع دولت از عواید جرم می‌باشد. که ممکن است حتی ابزار ارتکاب جرم محسوب گردد (شمس ناتری، ۱۳۹۲: ۲۷۳).

۳-۳. جرم اقتصادی با عنوان مجازات حدی کیفری ناپیامدگرا از سنخ

مجازات معین

از جمله قوانینی که در این خصوص تصویب شده است قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس مصوب ۱۳۶۸، قانون تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان مصوب ۱۳۶۷، قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و نیز قوانین مجازات ۱۳۶۱، ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲ اشاره کرد.

در این راستا در ماده یک و بندهای گوناگون قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور به موضوعات متفاوتی مانند اخلال در نظام پولی و ارزی و اخلال در نظام صادراتی و بحث میراث فرهنگی و نیز موضوع ارتشاء به صورت عمده اشاره می‌کند. پس از جرم‌انگاری موارد چندگانه فوق، در ماده ۲ قانون‌گذار به بحث مجازات‌ها می‌پردازد، این ماده اشاره می‌کند که: «هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه

در حد افساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می شود و در هر دو صورت دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد حکم خواهد داد.

ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز گفتمانی مشابه قانون مجازات اخلال گران داشته و مجرمان اقتصادی را مفسد فی الارض می خواند. در ماده چنین آمده است: «هر کس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور و ... در حد وسیع شود مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می شود.»

با توجه به مراتب پیش گفته، در خصوص ماده ۲ قانون اخلال گران و ماده ۲۸۶ که در فوق ذکر شد و در قانون مجازات جدید گفته شد، این دو قانون اخلال کننده در نظام اقتصادی را مفسد فی الارض دانسته اند. افساد فی الارض در قوانین موجود به طور مستقل جرم انگاری نشده است، در موارد جرم انگاری نیز، محاربه و افساد فی الارض مطرح شده است. در قوانین جاری عنوان مستقل افساد فی الارض را بسیار محدود داریم، از جمله در جرائم مشمول قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و نیز در ماده ۴ قانون تشدید مجازات ارتشاء و ... ولی در تمامی قوانین ذکر شده، قانون گذار موضوع را به قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ ارجاع داده است و مجازات محاربه را برای مفسدان پیش بینی کرده است. از نظر سابقه جرم انگاری محاربه و افساد فی الارض، این موضوع به قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ برمی گردد.

به هر حال جهت تبیین افساد فی الارض به عنوان معیاری در جرم حدی دانستن جرائم اقتصادی باید اذعان داشت: هر عملی که آثار تخریبی گسترده ای را به وجود آورد و یا به بیان دیگر، هر عملی که موجب بروز فساد گسترده ای گردد. در چنین مواردی نفس عمل باید حاکی از قصد و سعی مرتکب در به فساد کشاندن جامعه تلقی گردد و عنصر معنوی در آن مفروض گرفته شود. از این رو ایجاد شبکه های گسترده فحشاء و قاچاق مواد مخدر به هر انگیزه ای مصداق افساد فی الارض خواهد بود (مهدیان و کریمیان، ۱۳۹۶: ۲۹۸). با این اوصاف، کلید واژه ای که مصادیق مترتب در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را در هیئت افساد فی الارض

جرم‌انگاری می‌کند، وصف گسترده‌گی آن است. در قوانین خاص تعزیری که با این نگرش در شاکله افساد فی الارض جرم‌انگاری شده است می‌توان به ارتشا نیز اشاره کرد.

۴. تشهیر بازتعریفی از رویکرد پیامدگرا از کیفر

تشهیر مجرمان با هدف رسوا کردن آنان در میان اجتماع و تحقیر آنان موافقان و مخالفانی در میان جرم‌شناسان دارد و هستند بسیاری از کسانی که آن را نه تنها بازدارنده نمی‌دانند، بلکه عامل تکرار جرم از طریق برجسب‌زنی و انگشت‌نما کردن محکوم در اجتماع می‌دانند (نشاسته‌ریز و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۲۳). در بند س ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۹۲، قانون‌گذار مقرر می‌کند: «... س - انتشار حکم محکومیت قطعی». این رویکرد قانون‌گذار بیان‌گر نگاه تکمیلی یا تبعی به این نوع کیفر می‌باشد. این مجازات در واقع همان تشهیر مجرمان است که با توجه به این‌که در خصوص مجرمان اقتصادی کلان، الزام و تکلیف قانونی به اعمال آن وجود دارد، باید آن را در ردیف مجازات‌های تبعی قلمداد کرد و نه تکمیلی (نشاسته‌ریز و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۲۳).

در پرتو این ماده می‌توان به ماده ۳۶ همان قانون اشاره کرد که از ماده ۳۵-۱۳۱ قانون جزای فرانسه اقتباس شده است. در این ماده آمده است: «حکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حد محاربه و افساد فی الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاه‌برداری بیش از یک میلیارد ریال در صورتی که موجب اختلال در نظم یا امنیت نباشد در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود». حکم صادره به موجب ماده مزبور همان‌طور که در تبصره همین ماده آمده بر اساس مبلغ جرم می‌تواند حتی الزامی نیز باشد؛ بنابراین همان‌طور که تبصره آن مقرر می‌کند: «انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود». مجازات انتشار حکم محکومیت به هزینه محکوم‌علیه نوعی مجازات تکمیلی است؛ بنابراین باید مقررات و شرایط مجازات‌های تکمیلی در نظر گرفته شود. ملاک انتشار حکم نوع محکومیت است. محل انتشار در جرائم مذکور در متن ماده، روزنامه‌های محلی است و در جرائم موضوع تبصره، رسانه ملی

یا روزنامه کثیرالانتشار ملی می‌باشد. موارد انتشار حکم در قانون احصاء شده است؛ بنابراین دادگاه نمی‌تواند در موارد دیگر حکم به انتشار بدهد مانند این که شاکی درخواست کند حکم محکومیت انتشار یابد مگر این که خواسته خود را در قالب دعوی خصوصی و به عنوان ضرر و زیان ناشی از جرم مطرح کند که در این صورت تابع مقررات مربوط به دعاوی خصوصی خواهد بود. نوبت انتشار در متن ماده تعیین شده است، اما در تبصره مسکوت می‌باشد پس تعیین نوبت و مدت انتشار بر عهده دادگاه می‌باشد و اگر بدون تعیین نوبت باشد اصولاً برای یک مرتبه منتشر می‌شود (حسنی و مهرا، ۱۳۹۴: ۵۴).

مجازات اعلان و انتشار حکم محکومیت قطعی در رسانه‌ها (تشهیر رسانه‌ای) اگر چه از جنبه کیفرشناسی دارای معایب و ایرادهایی از جمله منافات داشتن با کرامت انسانی، منافات با اصل شخصی بودن مجازات‌ها، قبح‌زدایی از جرم و ... می‌باشد (حیدری، ۱۳۹۲: ۱۳۹-۱۴۲)، لیکن به نظر می‌رسد در چشم‌انداز تئوری «فایده‌گرایی» که عدم تعیین مجازات متناسب با شدت جرم ارتكابی، به تضعیف کارکرد بازدارنده مجازات منجر خواهد شد (جلیلی مقدم، ۱۳۸۹: ۱۱۱)، کیفر تشهیر مجازاتی پیامدگرا بوده که در مورد مجرمان اقتصادی و یقه‌سفیدی که با سوء استفاده از موقعیت و نفوذ اداری خود مرتکب جرم می‌شوند، با رسوایی و سلب اعتبار بزه‌کار امکان بازدارندگی را فراهم می‌کند.

برآمد

۱- مجرمان اقتصادی در پشت چهره‌هایی مثبت و کارآمد از تکنیک‌های پیچیده و با تمرکز بر خلاءها و آسیب‌پذیری رژیم مالی استفاده کرده و اغلب از رانت‌هایی که به‌واسطه نفوذشان به دست می‌آورند، این جرائم را به صورت گسترده انجام می‌دهند؛ بنابراین اتخاذ معیاری مشخص جهت تعیین جرم اقتصادی و مجرم اقتصادی سخت و پیچیده است. با این حال گام نخستین قبل از بیان ضابطه و معیار، برداشت پیامدگرایی و ناپیامدگرایی از کیفر در حوزه جرائم اقتصادی است. به نظر ناپیامدگرایی کیفر در جرائم اقتصادی تنها واکنشی لحظه‌ای است به‌مثابه مسکن بوده و تا زمانی اندک می‌تواند چارچوب پیش‌گیرانه خود را حفظ کند.

۲- پیچیدگی وجود پیامدگرایی در کیفر با ابعادی وسیع‌تر در کیفرشناسی جرم اقتصادی، قانون‌گذار را در مواقعی گیج و گمراه می‌کند تا آن‌جا که می‌توان در این عرصه شاهد تنوع و پراکندگی کیفر از یک‌سو و تکرار عنوان مجرمانه باشیم. پس معیار و ضابطه‌ای مشخص در تعیین جرم اقتصادی می‌تواند این تشتت را تا حدودی رفع کند. در بازخورد با جرم اقتصادی، کیفرشناسی اتخاذی، بر اساس معیارهای عرفی و بر پایه حقوق موضوعه و نیز رویکرد ایدئولوژیک و در بستر نگرش دینی قابل تفکیک است. این تفکیک خود صحنه بر تفکیک کیفر جرم اقتصادی در چشم‌انداز پیامدگرایی و ناپیامدگرایی دارد؛ چرا که باعث شده در جرائم اقتصادی برخوردی صفر تا صد از تعزیر تا حد و از شلاق و جزای نقدی حداقلی تا اعدام داشته باشیم. این نوع مجازات‌ها را می‌توان در انواع جرائم اقتصادی مشاهده نمود. به‌عنوان مثال، قانون‌گذار در قانون مبارزه با پول‌شویی مجموعه‌ای از کیفرها اعم از جزای نقدی، حبس، مصادره کلیه اموال و یا انفصال در مورد کارمندان و ... را در نظر گرفته است. یا «اخلال در نظام اقتصادی کشور» از مصادیق رفتاری مندرج در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد که با اوصافی چون «به‌طور گسترده»، «اخلال شدید»، «خسارت عمده» و «در حد وسیع» دارای مجازات اعدام است. موضوعی که می‌تواند هر مصداق رفتاری که موجبات اخلال در نظام اقتصادی کشور با اوصاف پیش‌گفته شود را به‌رغم عنوان مجرمانه مشخص و معین و یا بدون وصف مجرمانه مستقل، در بر گیرد.

۳- آن چه از ماهیت جرم اقتصادی در ایران و در فوق بیان شد، گفتمانی است که قانون گذار ایرانی سعی نموده است به خاطر ویژگی های این جرم، با وسواس و رویکردی تقابلی به تعیین کیفر و کیفرگذاری بپردازد. همین احتیاط باعث شده است ضوابط و معیارهای اتخاذی در کیفرگزینی، موجب ابهام برای دستگاه قضا شود. این امر در برخی مواقع موجب می شود که اختیارات قضایی اقتضا نماید رویکردهای سلیقه ای در تعیین عنوان مجرمانه دخالت کند. به عنوان مثال همان طور که در فوق نیز بیان شد رفتار مجرمانه اقتصادی در ماده ۲۸۶ با موضوع «اخلال در نظام اقتصادی» یا اوصاف آن که اخلال شدید، گستردگی و ... که همه این موارد قابل تفسیر بر اساس درک شخص از موضوع و وضعیت حاکم خواهد بود؛ همچنین در ماده ۲ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور، قانون گذار از دو عبارت «جرم اخلال کلان و عمده در نظام اقتصادی کشور» و «با انگیزه مقابله با نظام جمهوری اسلامی یا ضربه زدن به آن یا علم به موثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی الارض باشد». همان طور که مشخص است، جهت تعیین انگیزه علیه نظام و ... معیار سنجش حد فساد، نامعین است. در فراز ابتدایی ماده نیز اخلال کلان دارای ابهام مفهومی است و مشخص نشده است که تصمیم گیری در مورد تطبیق عمل صورت گرفته با این عنوان، باید بر چه معیار و اساسی باشد.

۴- به این دلیل که جرم اقتصادی در مناسبات اجتماعی، برگ دیگری از ارتکاب جرم را در شاکله اشخاصی متمول، دارای پایگاه اجتماعی بالا و نفوذ در لایه های حاکمیتی رقم زده است، بایست کیفر و شیوه کیفرگذاری در این عرصه، جوانب مختلفی را در بر گرفته تا به واسطه آن هم مجرم مجازات شود و هم بزه دیده به واسطه کیفر اتخاذی مورد ترمیم قرار گیرد.

فهرست منابع

الف. فارسی

- * آقاجانی، مهدی و میرخلیلی، محمود و حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۴۰۰)، «آسیب‌شناسی سیاست کیفری ایران در پرتو نظریه قوچ قربانی»، مطالعات حقوق معاصر، سال ۱۲، شماره ۲۳.
- * ابراهیمی، شهرام (۱۴۰۲)، «پاسخ واکنشی دوگانه در برابر بزه - تخلف مالیاتی در حقوق ایران و فرانسه»، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۲۰، شماره ۲۵.
- * برزگری، فروغ و عباسی، اصغر و اسماعیلی، مهدی و حاجی تبار فیروزجانی، حسن (۱۴۰۱)، «بررسی بنیادهای کیفری تشدیددی در قلمرو جرائم اقتصادی»، مطالعات فقه اسلامی، دوره ۴، شماره ۱ (۱۲).
- * بست، ژان میشل (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی جنایت، برگردان: فریدون وحید، چاپ دوم، مشهد: به‌نشر.
- * توسلی‌زاده، توران (۱۳۹۲)، پیش‌گیری از جرائم اقتصادی، چاپ نخست، تهران: جنگل.
- * جلیلی مقدم، مجتبی (۱۳۸۹)، «بررسی سودگرایی بن‌تام»، نشریه معرفت، سال ۱۹، شماره ۱۲.
- * حدادزاده نیری، محمدرضا و حبیب‌زاده، محمدجعفر و فرجیها، محمد (۱۳۹۹)، «واکاوی اثربخشی اعدام در جرائم مواد مخدر در پرتو تئوری‌های تحلیل اقتصادی جرم»، پژوهش حقوق کیفری، دوره ۸، شماره ۳۱.
- * حسنی، جعفر و مهرا، نسرین (۱۳۹۴)، «نقدی بر مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲، شماره‌های ۲ و ۳.
- * حطمی، ایمان و پاکزاد، بتول و فرح‌بخش، مجتبی و خسروی، حسن (۱۳۹۸)، «تحلیل علل جرائم اقتصادی ایران در پرتو نظریه‌های جرم‌شناسی اقتصادی»، مطالعات راهبردی ناجا، سال چهارم، شماره ۱۱.
- * حیدری، علی‌مراد (۱۳۹۲)، «نقد کیفرشناختی تشهیر رسانه‌ای»، مجله حقوق اسلامی، سال دهم، شماره ۳۸.

- * خلیلی پاجی، عارف و احمدی، امین (۱۴۰۲)، «دادرسی افتراقی در جرائم قاچاق کالا و ارز»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۷، شماره ۱۲۳.
- * خیرانی، روح‌اله و زرنشان، شهرام و سلیمانان، محمدهادی (۱۴۰۱)، «ارزیابی وضعیت ایران در ارتباط با مقررات بین‌المللی مرتبط با پول‌شویی»، نشریه پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲۱، شماره ۴۹.
- * شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۹۲)، «اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری»، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری)، ویرایش پنجم، تهران: سمت.
- * شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی مجازات اعدام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- * عینی نجف‌آبادی، محسن (۱۳۷۳)، مبنا و ماهیت تعزیر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- * مجلس شورای اسلامی، مشروح مذاکرات (۱۳۸۲)، دوره ششم، جلسه ۳۴۶.
- * مهدیان، محسن و کریمیان، محمدرضا (۱۳۹۶)، «مصادیق افساد فی الارض در ارتباط با جرائم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و سایر قوانین»، سومین کنفرانس ملی علوم انسانی.
- * مهران، نسرین و فورچی بیگی، مجید و مؤذن، عباس (۱۳۹۶)، «تحلیل تطبیقی الگوهای کیفردهی در نظام کیفری ایران و انگلستان»، پژوهش حقوق کیفری، سال ششم، شماره ۲۰.
- * نجفی توانا، علی و میلی، ایوب (۱۳۸۶)، «شلاق؛ در پرتو اندیشه‌های کیفری»، تحقیقات حقوقی آزاد، پیش شماره ۲.
- * نشاسته‌ریز، سهراب، المیر، محمود و حیدری، مسعود (۱۴۰۰)، «از جهانی شدن تا کاربست سیاست جنایی دشمن‌مدار در رسیدگی به جرائم اقتصادی»، مجله حقوق پزشکی ویژه‌نامه نوآوری حقوقی.
- * هاشمی، حسین (۱۳۸۱)، مجمع تشخیص مصلحت نظام (تحلیل مبانی فقهی و حقوقی)، قم: مرکز مطالعات پژوهش‌های اسلامی.
- * هالوی، گابریل (۱۳۹۳)، کیفردهی آموزه‌ای مدرن، برگردان: علی شجاعی، تهران:

دادگستر.

ب. انگلیسی

* Russell, Christopher (2005), **“Time and Punishment”**, University of Tulsa College of Law, Ohio State Law Journal, Vol66, N 2

* Zamir, Eyal and Barak Medina (2008), **“Law, Morality, and Economics: Integrating Moral Constraints with Economic Analysis of Law”**, California Law Review, Vol 96, No2.